

# اعتمادسازی در گرو شفافیت



◀ **سعید معدنی - جامعه‌شناس /** یکی از فاکتورهای جامعه آرام این است که مردم و دولت به یکدیگر اعتماد داشته باشند، این اعتماد البته بیشتر از سوی دولت به مردم تزریق می‌شود. برای اینکه بخواهیم مفهوم اعتمادسازی را در جوامع درک کنیم به چند نکته اشاره می‌کنم.

باشد که مردم برای به دست آوردن مطالباتشان به آن سمت حرکت کنند در نتیجه آنها سرخورده می‌شوند و تبعات اول این سرخورگی هم بی‌اعتمادی است. بنابراین ما اگر بخواهیم اعتماد دولت و مردم را بیشتر کنیم باید روی احزاب کار کنیم.

در اینجا لازم است که اشاره‌ای به وضعیت دولت دوازدهم داشته باشیم. دولت آقای روحانی با مشکلات بسیار زیادی مواجه شد که دولت‌های قبلی این مشکلات را نداشتند، در یک سال و نیم گذشته سیل عظیمی آمد و نظم و آرامش مردم را بهم ریخت. تحریم‌های ظالمانه امریکا هم موجب شد همه نوع ارتباط اقتصادی ایران با دنیا قطع شود و حتی دولت برای پرداخت پول به کارکنان خود هم با مشکل مواجه شود.

علاوه بر اینها ترور سردار سلیمانی بود که حاکمیت و مردم را شوکه کرد. این ترور از آن جهت مهم بود که حتی می‌توانست آغازگر یک جنگ باشد، البته هنوز هم تبعاتش در جامعه بین‌المللی وجود دارد همچنین سقوط هواپیمای مسافربری و بحث خطای انسانی پیش آمد و در آخر هم که بیماری کرونا تمام مسائل را بهم ریخت. این حجم از مشکلات بروز کرده در دولت روحانی را کمتر دولتی تجربه کرده بود.

باید بگویم وقتی بحران‌ها زیاد می‌شود دولت نمی‌تواند به همه نیازهای مردم پاسخ دهد و در نتیجه مردم می‌گویند دولت چه می‌کند، آنها اتفاقات پیرامون دولت را بررسی نمی‌کنند. در اینجا باید بگویم که اعتمادسازی از طرف دولت و مردم دوسویه است. دولت در بحران‌ها باید با مردم شفاف باشد، آمارهای دولتی باید دقیق و درست به مردم گفته شود. اگر در دولت کتمان کاری انجام شود مردم اعتمادشان را به دولت از دست می‌دهند، اگر در بحران‌ها پنهانکاری انجام شود و مردم خودشان متوجه واقعیت شوند، باز هم این دولت است که متضرر می‌شود.

اگر دولت‌ها بخواهند اعتمادسازی را در بین مردم انجام دهند، باید به انتظارات مردم پاسخ دهند و خدمات باکیفیت ارائه کنند. حکومت‌ها و دولت‌ها باید با مردم شفاف باشند و مشخص کنند که برای مردم چه می‌کنند. دولت باید دولت مدرن و الکترونیک را گسترش و نشان دهد به قانون پایبند است، همچنین وجدان کاری و امانتداری هم در دولت بیشتر شود.

کارکرد دولت با حکومت بسیار متفاوت است. در خارج از ایران دولت و حکومت با یکدیگر هماهنگ هستند و دولت‌ها مسئولیت و قدرت دارند، اما در کشور ما دولت یک مجموعه کوچک‌تری از حکومت است. باید بگویم در ساختار سیاسی ایران مایه حکومت و یک دولت داریم البته در این ساختار در بسیاری از موارد بخش‌های غیر دولتی برای دولت مشکل ساز می‌شوند و در نتیجه آن مسائل بسیاری به وجود می‌آید. برای مثال دولت برای رسیدن به اهدافش مسیر مشخصی را ترسیم می‌کند اما نهادهای غیردولتی آن مسیر را قبول نمی‌کنند و شروع به سنگ اندازی علیه دولت می‌کنند، همین تضاد در جامعه تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش اعتماد عمومی بین دولت و مردم می‌شود.

در همه جای دنیا دولت‌ها بر اساس انتخاب مردم روی کار می‌آیند. رئیس دولت‌ها ممکن است در دور اول محبوب باشند اما مردم در روند کارشان انتظارات بیشتری دارند، مردم توقع دارند که دولت‌ها تمام خواسته‌های آنها را اجرایی کنند. بنابراین در دور دوم محبوبیت رئیس دولت‌ها کمتر می‌شود. این فقط در جامعه ایران نیست بلکه در همه جای دنیا این اتفاق می‌افتد. مردم خواسته‌های فراوان و مشکلات بسیاری دارند، در جایی هم حکومت وعده می‌دهد و نمی‌تواند آن وعده را اجرایی کند به همین خاطر نارضایتی افزایش پیدا می‌کند و مردم اعتماد لازم را به حکومت‌ها نمی‌کنند.

ببینید اگر نارضایتی از حکومت وجود داشته باشد، مردم در دیگر کشورها تغییر حزب می‌دهند، در جامعه ما این ساختار تعریف نشده است این هم به خاطر عدم حضور احزاب و به اصطلاح توده‌وار بودن جامعه این موارد تعریف نشده است. بنابراین وقتی مردم در ساختار سیاسی سرگردان باشند و حزبی در کشور وجود نداشته

